



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ دیماه ۸۹

مصادف با: ۲۶ محرم الحرام ۱۴۳۲

جلسه: ۱۲

موضوع کلی: کتب اربعه

موضوع جزئی: کتاب کافی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خصوصیات کتاب کافی:

بحث در بیان بعضی از خصوصیات کتاب کافی بود، گفتیم قبل از اینکه وارد مباحث اصلی این کتاب شویم یک معرفی اجمالی از این کتاب داشته باشیم، مزایای کتاب کافی را در مقایسه با سایر کتب اربعه ذکر کردیم، اما جدای از این مزایای یک خصوصیتی از حیث سند روایات و متن روایات در کتاب کافی هست که ذکر آنها به شناخت بیشتر این کتاب کمک میکند.

### الف) خصوصیات سندی:

از جهت سندی اگر بخواهیم به خصوصیتی که به نحو برجسته و قابل ذکر در کتاب کافی وجود دارد اشاره بکنیم چند خصوصیت قابل ذکر است:

۱) خصوصیت اول اینکه اکثریت قریب به اتفاق روایاتی که در کافی ذکر شده از خود معصومین نقل شده، البته این به آن معنا نیست که روایات سایر کتب از معصوم نباشد بلکه تمام روایات منقول در کتب حدیثی از معصوم است ولی نقل، گاهی مستند به خود معصوم میرسد و گاهی تا آخرین راوی که از امام معصوم نقل میکند ذکر میشود ولی بعد از آن نام امامی که از او نقل شده را ذکر نمیکنند.

در مورد کتاب کافی اکثر روایات، از خود معصومین نقل شده است چون خود مرحوم کلینی در مقدمه کافی اشاره کرده که کتابی را به درخواست شما نوشتم که جامع علوم و فنون دین و آثار صحیحیه از ائمه معصومین (ع) باشد، لذا به جز موارد اندک که مرحوم کلینی روایات را به خود معصومین مستند نکرده اکثریت قریب به اتفاق روایات، از خود معصومین نقل شده، مرحوم آقای خوئی در مقدمه کتاب معجم رجال الحدیث تقریباً دوازده مورد را نقل میکند که در کتاب کافی از غیر معصوم روایت نقل شده است، مثلاً ذکر کرده که... عن هشام بن الحكم قال: «الاشیاء لا تدرک الا بامرین...»<sup>۱</sup> که در اینجا روایت مستند به معصوم نشده و مستقیماً از خود هشام نقل شده است.

**سؤال:** آیا روایاتی که مستند به خود معصوم نیستند حجتند؟

۱. کافی، ج ۱، ص ۹۹، حدیث ۱۲.

**استاد:** اگر سند درست باشد و به شخص معتبری مثل زُراره یا محمدبن مسلم برسد، یعنی سند به کسی برسد که میدانیم از غیر معصوم روایت نقل نمیکند و اگر هم خودش چیزی میگوید فتوای خودش نیست یعنی ممکن است که عبارات از خودش باشد ولی هر چه هست از معصومین نقل میکنند، در اینصورت روایات حجت هستند.

**۲)** خصوصیت دوم این است که مرحوم کلینی در کتاب کافی اسناد روایات را به طور کامل ذکر کرده است یعنی از مشایخ خودش شروع کرده و تا امام، همه واسطهها را نقل کرده، البته روند غالب در کتاب کافی اینگونه است نه اینکه اصلاً از این اصل تخطی نشده باشد.

این خصوصیت به این شکل در سایر کتب اربعه نبوده مثلاً در کتب دیگر در آخر کتاب بخشی دارند به نام مشیخه که برای یافتن سلسله سند باید به مشیخه رجوع شود ولی در کتاب کافی سلسله سند روایات به طور کامل نقل شده و نیاز به رجوع به بخش مشیخه نیست، البته در بعضی موارد آمده: قال الكليني یا قال ابو جعفر محمد بن يعقوب، که یا شاگردان ایشان این جمله را اضافه کردهاند و یا مرسوم بوده مثل الان که میگویند نگارنده این چنین میگوید.

**۳)** خصوصیت سوم این است که برای نقل یک روایت، طرق متعددی که در سند روایت وجود دارد را نقل میکنند که البته این مختص کتاب کافی نیست و در سایر کتب هم وجود دارد.

**سؤال:** هدف از نقل یک روایت به طرق متعدد چیست؟

**جواب:** ذکر طرق متعدد برای یک روایت، یا این است که بیان شود این روایت در جوامع شهرت دارد و یا بخاطر این است که روایت را به حد استفاضه برسانند یا در بعضی از طرق ضعفهایی وجود دارد که خواستهایند با ذکر طریق دیگری برای روایت، آن ضعف را بر طرف کنند، روایت را نقل میکنند و در ذیل روایت مینویسند عن فلان عن فلان عن فلان مثله یا روی مثله فلان عن فلان عن فلان، تا سند به امام برسد البته این روش (ذکر طرق متعدد)، منحصر در کافی نیست ولی در کافی این جهت بیشتر رعایت شده است چون مرحوم کلینی از نظر ضبط روایات اَدَقَّ و اَضْبَطَّ از دیگران بوده است. در مواردی که طرق مختلفی برای یک روایت وجود دارد این خودش به دو صورت نقل میشود:

**الف)** گاهی از اوقات سند یک روایت با سند دیگری در همین روایت در همه واسطهها مختلفند، یعنی مثلاً در طریق

اول، از اول تا آنجائی که به خود معصوم منتهی میشود کاملاً متفاوت است با طریق دوم، مرحوم کلینی در اینطور

موارد، سند دوم را کامل نقل میکند مثلاً به روایت زیر دقت کنید:

عده من اصحابنا عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن سلیمان الفراء عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع): «فی الصائم

یکتحل؟ قال (ع): لا بأس به لیس بطعام ولا شراب»<sup>۱</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۱۱، حدیث ۱.

در ذیل این روایت گفته: عن علی بن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمیر عن سلیمان الفراء عن غیر واحد عن ابی جعفر(ع) :  
مثله. که در سند اول کسی که از سلیمان فراء روایت نقل کرده علی بن حکم است ولی در سند دوم ابن ابی عمیر از سلیمان  
فراء روایت را نقل کرده و باز در سند اول سلیمان از محمد بن مسلم نقل کرده ولی در سند دوم سلیمان از غیر واحد نقل  
کرده، با اینکه یک نام مشترک در سند وجود دارد این دو سند با هم متفاوت هستند و وجود یک فرد مشترک در سند باعث  
نمیشود که دو سند یکی باشد.

**ب)** گاهی بخشی از سند دوم با سند اول فرق دارد که در اینصورت از روش حیلولة (تحویل سند) استفاده میشود که  
عبارت است از: انتقال از یک سندی به سند دیگر در همان بخشی از سند که با سند دیگر متفاوت است، البته این  
منحصر به کافی نیست و در سایر کتب اربعه هم وجود دارد، برای روشن شدن مطلب، در ذیل به سندی اشاره میکنیم  
که در آن حیلولة صورت گرفته:

علی بن ابراهیم عن ایبه و محمد بن ابی یحیی عن احمد بن محمد و الحسین بن محمد عن عبدویه بن عامر جمیعاً عن احمد  
بن محمد بن ابی نصر عن ابان بن عثمان عن ابی بصیر انه سمع ابا جعفر و ابا عبدالله(ع):  
در این روایت حیلولة صورت گرفته و اگر حیلولة نباشد معنا ندارد که در وسط نقل سلسله سند، واو آورده شود از اینکه در  
وسط سلسله سند، واو آوردهاند میفهمیم که حیلولة صورت گرفته است، این سند با دو واسطه از سه تن از مشایخ کلینی  
نقل شده:

**سند اول:** علی بن ابراهیم عن ایبه عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابان بن عثمان...

**سند دوم:** محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابان بن عثمان...

**سند سوم:** الحسین بن محمد عن عبدویه بن عامر عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابان بن عثمان...

که در این سند دو حیلولة صورت گرفته و در حقیقت سه سند است که آنها را ذکر کردیم.

**بحث جلسه آینده:** ادامه خصوصیات کتاب کافی را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»